



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences
Research Institute for Islamic
Theology and Knowledge
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
Website: <http://rahnama.isri.ac.ir>
Volume: 2, Number: 4



The Quran's Methods for Dealing with the Enemies of Islam

Ali bigdeli*, Maryam hajabdolbaghi**, Siamak bagheri***

Doi: <https://doi.org/10.22034/gr.2026.534647.1062>

Receipt: 2025/07/19 - Accepted: 2025/08/29

(283-310)

Abstract

Dealing with enemies is one of the central themes in the teachings of the Holy Quran, which developed and gradually took shape within the historical context of the mission of the Great Prophet (PBUH). During this period, groups such as the disbelievers, polytheists, Jews, and hypocrites emerged as the primary threats to the Islamic call. This article aims to examine the approaches employed by the Holy Quran in confronting these groups during the prophetic era. The main research question is: what methods and strategies did the Holy Quran utilize to deal with enemies during this period? The research is qualitative in nature, and data were collected and analyzed using a documentary method and thematic analysis. The findings indicate that the Holy Quran adopted a phased and combined approach in dealing with the enemies of Islam; such that it first emphasizes soft methods such as tolerance, clarification, education, and propagation, and if these methods prove ineffective, it resorts to hard struggle and jihad. Furthermore, the Quran, considering the nature of each enemy group, prescribed a specific method for confronting them and recommended an appropriate strategy for each type of threat.

Keywords: Quran, Confrontation, Enemy, Encounter, Method, Strategy, Islam

*. Department of Quranic and Hadith Sciences, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

M.hajiabdolbaqi@iau.ac.ir

**. Department of Quranic and Hadith Sciences, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ali.bigdeli197@iau.ac.ir

***. Faculty Member of Imam Sadeq (AS) Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran, s.bagheri6@gmail.com (Corresponding Author)



پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشکده الهیات و معارف اسلامی
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
نشانی پانکد نشریه: http://rahnama.iaui.ac.ir
سال دوم، شماره چهارم



روش های قرآن در برخورد با دشمنان اسلام

علی بیگدلی*، مریم حاج عبدالباقی**، سیامک باقری***

Doi: 10.22034/gr.2026.534647.1062

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷

نوع مقاله: علمی پژوهشی

(۲۸۳-۳۱۰)

چکیده

برخورد با دشمنان یکی از موضوعات محوری در آموزه های قرآن کریم است که در بستر تاریخی بعثت پیامبر اعظم ﷺ شکل گرفته و به تدریج سامان یافته است. در آن دوره، گروه های کفار، مشرکان، یهودیان و منافقان به مثابه تهدیدهای اصلی در برابر دعوت اسلامی مطرح بوده اند. مقاله پیش رو با هدف بررسی شیوه های مواجهه قرآن کریم با این گروه ها در دوره نبوی نگاشته شده است. پرسش اصلی پژوهش آن است که قرآن کریم چه روش ها و راهکارهایی را برای مقابله با دشمنان در آن دوره به کار گرفته است. نوع پژوهش کیفی است و با روش اسنادی و تحلیل مضمون داده ها جمع آوری و تجزیه و تحلیل شد. یافته های پژوهش نشان می دهد که قرآن کریم در برخورد با دشمنان اسلام، رویکردی مرحله ای و ترکیبی اتخاذ کرده است؛ به گونه ای که ابتدا بر شیوه های نرم - مانند مدارا، تبیین، تربیت و تبلیغ - تأکید دارد و در صورت ناکارآمدی این روش ها، به مبارزه سخت و جهاد روی می آورد. همچنین، قرآن باتوجه به ماهیت هر گروه دشمن، شیوه ای خاص برای مقابله با آن ها ارائه داده و در برابر هر نوع تهدید، راهکاری متناسب توصیه کرده است.

کلیدواژگان: قرآن، مواجهه، دشمن، رویارویی، روش، اسلام.

*. گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

M.hajiaabdoibaqi@iaui.ac.ir

** گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

ali.bigdeli197@iaui.ac.ir

*** عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران،
s.bagheri6@gmail.com (نویسنده

مسؤل)

مقدمه

قرآن کریم کامل‌ترین کتاب هدایت بشر «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۵) و هدایت مَّتَّقِین «هُدًى لِّلْمُتَّقِین» (بقره: ۲) است. قطعاً جامعیت و جاودانگی آموزه‌های این کتاب آسمانی ضامن سعادت دنیا و آخرت بشر در هر عصری است. یکی از آموزه‌های بسیار مهم قرآن، شناخت انواع دشمنان جامعه اسلامی و نظام اسلامی است.

پیامبر ﷺ در طول ۲۳ سال در برخورد با دشمنان که از مشرکان مکه گرفته تا یهودیان مدینه و خیبر تا عرب‌های مسیحی، رومیان و ایرانیان به پادشاهی خسرو پرویز، اصول و روش‌هایی را اتخاذ کردند که برگرفته از کلام وحی بود؛ روش‌هایی جامع و کامل که تحقق پیروزی جبهه حق را در تمامی زمان‌های بعد از ایشان نوید می‌دهد. شکست‌هایی هم وجود داشت که ریشه آن، غفلت و عدم تبعیت از این آموزه‌ها و فرمان‌های پیامبر اعظم ﷺ بود.

ویژگی آموزه‌های قرآن کریم علاوه بر جامعیت و جهانی بودن، ابدی، جاودانی، زنده، پویا و همیشگی است و با خاتمیت پیامبر ﷺ پایان نمی‌یابد. به باور استاد مطهری، خاتمیت براساس جاویدان بودن دین است. آن دینی که برای همیشه باید در اجتماع بشر باقی بماند و آن صلاحیت را دارد که باقی بماند دین اسلام است و یگانه کتابی در دنیا که این صلاحیت را دارد که برای همیشه در میان افراد بشر زنده بماند، نمیرد و منسوخ نشود و همیشه تروتازه باقی بماند قرآن است (مطهری، ۱۳۹۶: ۷۵).

مختصات موصوف، بدان معناست که در هر عصری نه تنها امکان بهره‌مندی از آموزه‌های قرآنی در زمینه دشمن‌شناسی و الگوهای مقابله با دشمن وجود دارد، بلکه جامعه اسلامی و مسلمانان موظف به تأسی از دستورها و مقررات قرآن در تمام ساحت‌های زندگی، از جمله نحوه تعامل و تقابل با دشمنان اسلام و نظام اسلامی، است.

بررسی علمی روش‌های قرآن در مواجهه با دشمنان و الگوهای دشمنی‌ورزی آنان و فهم و درک درست آن روش‌ها برای مقابله با انواع دشمنان، بسیار حائز اهمیت است. درواقع، برای غلبه بر دشمن، ابتدا لازم است شناخت اساسی و مبنایی از روش‌ها و الگوهای مقابله با دشمن در چهارچوب مبنایی، اصول و قواعد شریعت اسلامی - که خود الهام‌یافته و استنباط شده از قرآن است - وجود داشته باشد. قرآن کریم به مثابه هدایت بشر و مؤمنان،

بهترین روش‌ها را برای زندگی سیاسی و اجتماعی و شرایط دوستی و دشمنی و جنگ و صلح ارائه داده است؛ همان‌طور که قرآن کریم فرمود: «و اگر دشمن را عقوبت می‌کنید، به همان اندازه باشد که عقوبت شده‌اید؛ گرچه اگر تحمل بورزید (و چشم بپوشید) برای صابران بهتر است» (نحل: ۲۶) یا در آیه ۱۰۲ سوره نساء اشاره شده است که: نباید در استفاده از روش‌های گوناگون مبارزه، جمود و تحجر به خرج داد، بلکه باید باتوجه به مقتضیات زمان و مکان و چگونگی موقعیت دشمن اقدام کرد؛ نکته ظریف و حساسی که به صورت یک اصل کلی و ابدی در قرآن بیان شده و دستور جامع و همه‌جانبه‌ای به تمام مسلمانان در همه قرون و اعصار می‌دهد که برای حفظ امنیت خود و دفاع از مرزهای خویش مراقب باشند و یک نوع آماده‌باش مادی و معنوی به‌طور دائم بر اجتماع آن‌ها حکومت کند.

باوجود گستردگی آیات قرآن در زمینه دشمن‌شناسی و تنوع الگوهای قرآنی در مواجهه با دشمنان، هنوز تحلیل منسجم و نظام‌مندی از روش‌های قرآنی در تقابل با دشمنان اسلام، به‌ویژه در اوضاع متغیر تاریخی و اجتماعی، کمتر صورت گرفته است. این خلأ، ضرورت بازخوانی دقیق آموزه‌های قرآنی در این حوزه را دوچندان می‌سازد. ازاین‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که: قرآن کریم چه روش‌هایی را برای مواجهه با دشمنان اسلام ارائه کرده و این روش‌ها چگونه می‌توانند در شرایط گوناگون تاریخی و اجتماعی راه‌گشا باشند؟

پیشینه تحقیق

درخصوص دشمن و دشمن‌شناسی کارهای زیادی صورت گرفته است؛ اما در ارتباط با نحوه مواجهه با دشمن و الگوهای قرآن در برخورد با دشمنان پژوهش‌های علمی چشمگیری انجام نشده است. تحقیقات علمی صورت‌گرفته دراین خصوص به چند دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای دشمن‌شناسی و ضرورت شناخت دشمن را مطرح کرده‌اند که نمونه بارز این مقالات عبارت است از:

مقاله «دشمن‌شناسی و راه‌های مقابله با دشمن از نگاه قرآن و احادیث» نوشته نعمت‌الله سروری (۱۴۰۱) که هیچ اشاره‌ای به یهود و کفار نکرده و برخلاف عنوان مقاله، به موضوعات روز و نحوه برخورد با دشمنان از نگاه علمای معاصر پرداخته است.

دسته‌ای دیگر به چگونگی برخورد قرآن با دشمنان پرداخته‌اند، اما طبق بررسی‌های صورت گرفته، در این مقالات به صورت جامع و کامل به این مسئله پرداخته نشده است. برخی از این مقالات به شرح زیر هستند:

مقاله «راه‌های مبارزه با دشمن از منظر قرآن کریم»، نوشته جمعی از نویسندگان (عباس مصالایی پوریزدی، جواد جمشیدی حسن‌آبادی، امان‌اله ناصری کریموند، ۱۳۹۴)، به شش گروه از دشمنان اشاره دارد و اقسام دشمنان را از دیدگاه قرآن بررسی کرده است. در این مقاله به دشمنانی چون شیطان و همسر و فرزندان توجه ویژه‌ای شده و به دشمنان بیرونی، مثل کفار و منافقان و یهود، و شیوه دشمنی آن‌ها، کمتر اشاره شده و به صورت تیتروار بیان کرده است.

سومین دسته از مقالات نحوه برخورد دشمنان با مسلمانان و جوامع مسلمان را مورد بررسی قرار داده است. تعدادی از این مقالات به شرح زیر است:

مقاله «شیوه‌های کافران در مبارزه با پیامبر ﷺ» نوشته احمد جعفری، ۱۳۸۵: فقط به روش‌های مقابله کفار با مسلمانان پرداخته و اشاره‌ای به دیگر دشمنان نکرده است.

بنابراین، درخصوص نحوه برخورد قرآن با دشمنان، تحقیقات جامعی صورت نگرفته است. علی‌رغم اینکه پژوهش‌های صورت گرفته با تحقیق نگارندگان دارای نقاط اشتراک و افتراقی است، اما در این مقالات انواع دشمنان و نحوه مواجهه با آن‌ها به صورت کامل بیان نشده یا روش‌های برخورد متناسب با نوع دشمنی مورد بررسی قرار نگرفته و الگویی برتر برای مواجهه با دشمنی دشمنان و بررسی انواع دشمنی‌ها ارائه نشده است.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. تعریف دشمن در قرآن

معادل واژه «دشمن» در قرآن کلمه «عَدُو» است. در قرآن ۴۵ مرتبه واژه «عدو» و ۷ مرتبه واژه «أعداء» و ۶ مرتبه واژه «عداوت» و ۸ مرتبه واژه «عُدوان» آمده است (عبدالباقی، ۱۳۶۵: ۵۷۰). غیر از واژه «عدو»، در قرآن واژه‌های مترادف دیگری نیز وارد شده است. این واژه به همراه مشتقات، در مجموع ۱۰۶ بار در قرآن به کار رفته است؛ که ۶۹ مورد از این

تعداد، در کنار واژه‌های هم‌نشین، و نیز واژه‌های مقابل آن، حوزه معنایی «عدو» را تشکیل می‌دهد.

براساس معناشناسی واژه «عدو» در قرآن؛ انکار و نافرمانی خدا و رسولان الهی، تجاوز، عدم صداقت، استهزاء و تکبر از مؤلفه‌های معنایی دشمن می‌باشند. آنچه بیش از همه مورد دشمنی قرار دارد دین خدا، رسولان الهی و مؤمنان است و فرعون، یهود، منافقان، شیطان و... نمونه‌هایی از دشمن می‌باشند که از درون و بیرون جامعه دینی را تهدید می‌کنند. با عنایت به وجود واژگانی غیر از «عدو»، همچون «خصم» و «شَنَان» در قرآن که به معنای دشمن می‌باشند، واژه «عدو»، بخش مهمی از معنای دشمن در قرآن را بیان می‌کند. کلمه «شَنَان» دو مرتبه در آیات ۲ و ۸ سوره مائده آمده که در آنجا به معنای تعدی و تجاوز و دشمنی است. واژه «خصم» با تمام مشتقاتش ۶ مرتبه در قرآن آمده که به معنای دعوکنندگان و دشمن یکدیگر بودن (حج: ۱۹)، جدال‌کنندگان (یس: ۴۹)، نزاع‌کنندگان (ص: ۲۱) و دشمنان سخت (زخرف: ۵۸) آمده است.

براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، «عدو» در قرآن دو گونه است:

۱. عداوت به قصد دشمنی و خصومت، مثل آیه «فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ» (نساء: ۹۲)؛
۲. دشمنی و عداوتی که از روی قصد نباشد، مثل آیه «فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۷۷).

استعمال «عدو» در قرآن یا در مقابل ولی است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (ممتحنه: ۱) یا مصداق ظلم است؛ «وَمَنْ يَتَّعِدْ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹) و یا بعد از «بغی» استعمال شده است؛ «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون: ۷).

بنابراین، باتوجه به بررسی معنای «عدو» در قرآن، این چنین به دست می‌آید که دشمن کسی است که خوی تجاوزگری داشته و درصدد ضربه زدن به طرف مقابل باشد. صاحب کتاب معجم مقاییس اللغة ذیل ماده «عدو» در تعریف دشمن می‌نویسد: «الَّذِي يَعْدُو عَلَى النَّاسِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۲۴۹).

کسی که درصدد ضربه زدن و صدمه رساندن به غیر باشد و از باب عداوت و کینه‌ورزی

بخواهد به افراد تعرض و تجاوز و تعدی نماید و یک هدف خاصی از این عمل خود داشته باشد، دشمن محسوب می‌شود. این تجاوز به حقوق به چند صورت می‌باشد: گاهی تجاوز به حقوق فرد معین است: «وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ» (بقره: ۳۶)؛ در برخی مواقع، تجاوز به حقوق جمعی است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یوسف: ۵) و زمانی هم تعدی به حقوق الهی است: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ» (بقره: ۲۲۹).

پس، درمی‌یابیم که تجاوزگران، دشمن خداوند هستند و همین تجاوزگری ملاک ما برای تبیین دشمنی در قرآن و اسلام مدنظر قرار می‌گیرد، و آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد دشمنانی هستند که قصد تعرض و تجاوز به ساحت اسلام و مسلمانان را داشته‌اند و افراد و جریان‌هایی را که به‌صورت مسالمت‌آمیز در کنار مسلمانان به زندگی مشغول‌اند شامل نمی‌شود.

۱-۲. انواع دشمن در قرآن

قرآن برای شناساندن انواع دشمنان توجه ویژه‌ای دارد. آیات دشمن‌شناسی در قرآن بیش از آیات الأحکام است. از میان ۱۱۴ سوره قرآن تعداد ۹ سوره به رفتار دشمن پرداخته که عبارت‌اند از: براءت، احزاب، محمد، ممتحنه، منافقون، معارج، بینه، کافرون و مسد (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۵۶۹). با بررسی آیات قرآن کریم دشمنان را می‌توان به دو نوع کلی دسته‌بندی کرد: یک. دشمنان درونی و پنهان که شامل نفس اماره و ابلیس با جنود مخفی او می‌شود؛ دو. دشمنان بیرونی که گاهی مانند مشرکان و کفار، آشکار هستند و گاهی مانند منافقان پنهانی دشمنی می‌کنند و گاهی مانند همسران و فرزندان، دشمنان بالقوه هستند. دشمنان پنهان دشمنانی هستند که دیدنی نیستند و به آسانی شناسایی نمی‌شوند و در تلاشند تا انسان را از رسیدن به کمالات انسانی بازدارند، مانند شیطان (بقره: ۲۰۸) و منافقان.

علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۰۸ سوره بقره، شیطان را دشمن خارجی معرفی می‌کند که از طریق وسوسه‌های درونی (نفس اماره) انسان را هدف قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۰۶). علامه توضیح می‌دهد که نفس اماره (تمایلات شهوانی و غریزی) می‌تواند به

ابزاری برای شیطان تبدیل شود تا انسان را از راه حق منحرف کند. بنابراین، این بخش از سخنان علامه نشان می‌دهد که شیطان درونی (وسوسه‌های نفس) و شیطان بیرونی (ابلیس و پیروانش) (انعام: ۱۱۲) هر دو خطرناک هستند.

نفس اماره نیز هم در قرآن (یوسف: ۵۳) و هم در آموزه‌های دینی از خطرناک‌ترین دشمن به‌شمار رفته است؛ چنان‌که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: دشمن‌ترین دشمن تو، نفسی است که میان دو پهلویت قرار دارد (وَرَّامِ ابْنِ أَبِي فَرَّاسٍ حَلِي: ۱۳۶۹، ج: ۱: ۲۵۹).

نوع دیگر از دشمنان پنهان، منافقان هستند که خطرشان بیشتر از دشمنان آشکار می‌باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «أَوْهَنُ الْأَعْدَاءِ كَيْدًا مَنْ أَظْهَرَ عَدَاوَتَهُ» (غررالحکم: ۳۲۵۸) و همچنین فرمودند: «شَرُّ الْأَعْدَاءِ أَبْعَدُهُمْ غَوْرًا وَأَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً؛ بدترین دشمنان کسی است که بیشتر می‌اندیشد و بیشتر کیدش را مخفی می‌دارد» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۶۲۰).

دشمنان آشکار چهره‌ای آشکار دارند و عداوت و ماهیت خود را اظهار می‌کنند و از ضعیف‌ترین دشمنان هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج: ۷۸: ۳۷۹)؛ چراکه شناسایی آنان آسان، و در مبارزه و رویارویی با آنان همیشه مؤمنان پیروز خواهند بود (توبه: ۵۲). برخی مانند همسران و فرزندان می‌توانند به‌مثابه دشمنان بالقوه برای مؤمنان عمل می‌کنند (تغابن: ۱۴). البته، این به معنای دشمنی ذاتی آن‌ها نیست، بلکه به دلیل خطر غفلت‌آفرینی و وابستگی‌های افراطی است؛ البته، برخی دیگر -مانند کفار، مشرکان و یهودیان- ذاتاً با اسلام و مسلمانان دشمنی می‌کنند.

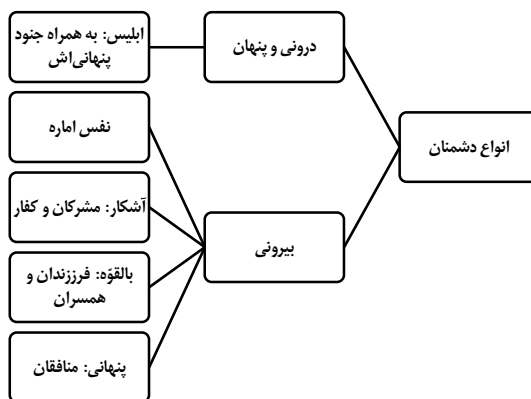
برخی از دشمنان آشکار جهت حفظ جان و مال خود از هرگونه آزار و تعرض (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۲۳) به حکومت اسلامی جزیه می‌پرداختند (توبه: ۲۴) یا با هم‌پیمانی با مسلمانان (نساء: ۹۰)، به‌صورت مسالمت‌آمیز با مسلمانان زندگی می‌کردند و خداوند خون آن‌ها را محترم شمرده و در امان خواهند بود (فضل بن حسن بصری، ۱۴۰۸ ق، ج: ۵: ۲۸۵) و خداوند مسلمانان را از تعدی به آن‌ها باز داشته است. برخی دیگر به دنبال تعدی و تجاوز علیه مسلمانان هستند.

آنچه ملاک پژوهش نگارندگان است دشمنانی هستند (کفار، مشرکان، منافقان و

یهودیان) که به دنبال تعدی و تجاوز علیه اسلام و مسلمانان هستند که برخی آشکارند و برخی دیگر پنهان.

شایان ذکر است که گرچه یهودیان به صورت کلی در قرآن در زمره اهل کتاب (یهود و نصاری) قرار می‌گیرند، در برخی آیات، گروهی از آنان به دلیل رفتارهای خاص، در ردیف کفار معرفی شده‌اند. آیه ۶۴ سوره آل عمران، یهودیان را جدا از مشرکان قرار می‌دهد و آیه ۵۱ سوره مائده، یهودیان را به دلیل کفرورزی، تحریف دین و دشمنی با مسلمانان، هم‌ردیف کافران معرفی می‌کند.

در این مقاله، یهود به دلیل شدت دشمنی با مسلمانان، در عرض کفار قرار داده شده و به صورت جداگانه و مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.



۳-۱. ماهیت دشمنی

دشمنان در اصل دشمنی با حق و اسلام تفاوتی با هم ندارند، اما آنچه این دشمنی را متمایز می‌کند، ماهیت دشمنی آن‌هاست. با بررسی نوع دشمنی دشمنان اسلام (مشرکان، کفار، منافقان و اهل کتاب به‌ویژه یهودیان) مشخص می‌شود که ماهیت دشمنی هرکدام از آن‌ها اشتراکات و افتراقاتی با یکدیگر دارند. دشمنی برخی از آنان به دلیل ضدیت با دین و مکتب بوده و برخی دیگر با خود پیامبر ﷺ، که تبلور تمام نمای دین است، دشمنی داشتند. برخی به دلیل مسائل مادی و دنیوی و کسب قدرت دشمنی می‌کردند و برخی نیز به دنبال حذف اسلام بودند.

دشمنی مشرکان مکه، ماهیت دوگانه‌ای داشت: نخست، دشمنی با دین توحیدی پیامبر ﷺ بود؛ زیرا توحیدی که پیامبر ﷺ تبلیغ می‌کرد آیین شرک‌آمیز اشراف قریش و بت‌ها و خدایانی را که اعتقاد راسخ به آن‌ها داشتند نفی می‌کرد (آیتی، ۱۳۶۹: ۱۰۵). سوره‌های مکی و مدنی حامل آموزه‌های زیادی از تقابل توحید و شرک است. درواقع، این دشمنی و تقابل فکری و عملی میان آیین توحیدی و بت‌پرستی از زمانی که پیامبر ﷺ دعوت به اسلام را علنی کرد آغاز شد.

دوم، تعارض و تقابل نظام سیاسی و اجتماعی اسلام با نظام سیاسی حاکم بر مکه بود. درواقع، معارف توحیدی بخشی از انگیزه‌های دشمنی را شامل می‌شد، اما وقتی اشراف متکبرِ قدرتمندِ متنفذ حاکم بر مکه به توسعه نفوذ پیامبر و اسلام و اثرگذاری و عواقب این تفکر پی بردند و تهدیدی که به دلیل ازدست دادن موقعیت و سلطه خود در مناسبات قدرت سیاسی و اجتماعی احساس کردند، باعث شد تا دشمنی و خصومت آن‌ها عمیق‌تر و پایدارتر گردد (آرمسترانگ، ۱۳۹۵: ۷۱)؛ درنتیجه، واکنش کفار و مشرکان را برانگیخت و آن‌ها برای خدشه‌دار کردن شخصیت پیامبر ﷺ و منحرف کردن پیروان ایشان، فرضیه‌های شاعری و کهانت و جنون و ساحری را مطرح کردند (ص: ۴؛ انبیا: ۵).

دلیل اصلی مقابله کفار و مشرکان با پیامبر اسلام ﷺ و مقابله با دعوت ایشان، مخالفت با اصل توحید در ابعاد و جنبه‌های مختلف و مخالفت با محسوس‌ترین پدیده زندگی کفار (بت‌پرستی) بود. کفار و مشرکان وقتی متوجه پیام رسالت شدند برای نابودی آن اقدام کرده و در مقابل رسول گرامی اسلام ﷺ، جبهه گرفته و ضمن مخالفت شدید با آیین اسلام، محاصره اقتصادی مسلمانان و حتی نابودی پیامبر اسلام ﷺ را در دستور کار قرار دادند (انفال: ۳۰).

منافقان نیز همانند کفار و مشرکان تحمل مشاهده حیات و پیشرفت دین اسلام را نداشتند؛ چراکه شریعت محمد ﷺ تمام آمال و امیال آن‌ها را به باد فنا داده و موقعیت‌های سیاسی-اجتماعی آن‌ها را در مدینه به خطر انداخته بود؛ ازاین رو، آن‌ها به عناوین و شگردهای گوناگون کوشیدند تا دین اسلام را به کام نیستی سپرده و رسول خدا ﷺ را از نشر آموزه‌های اسلام بازدارند. ماهیت دشمنی آن‌ها برچیده شدن موجودیت نهضت اسلام و شکست جریان حق بوده است. مکر و تزویر از خصوصیات ذاتی منافقان بوده (بقره: ۹) و

هرگاه مجالی می‌یافتند افراد سطحی‌نگر و ظاهربین را - که عمق اسلام را درک نکرده بودند - با سخنان دروغین می‌فریفتند و جامعه را از درون به انحراف و گمراهی می‌کشاندند (بقره: ۸ و ۱۵) و با پاشیدن بذر کینه و نفرت، در دل مسلمانان اختلاف ایجاد می‌کردند تا بدین وسیله ضمن به چالش کشاندن وحدت اجتماعی، حاکمیت اسلامی را تضعیف کنند (منافقون: ۸). بیشترین ضرباتی که متوجه جبهه حق می‌شود از طرف همین جریان است.

در میان همه دشمنان اسلام، یهودیان بدترین و شدیدترین دشمنان بوده‌اند (مانده: ۸۲). ماهیت دشمنی آنان نیز چندوجهی بود. نخستین مورد آن را قرآن کریم، حسادت ذکر کرده است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره: ۱۰۹). ریشه حسادت یهود هم به نژادپرستی برمی‌گردد؛ زیرا آن‌ها خود را قوم برگزیده و برتر و آیین خدا را در نژاد خود محصور می‌دانستند.

دومین مورد، تعارضی است که دین اسلام با دین تحریف‌شده یهودیان داشت. سران یهود که منافع خود را به دین تحریف‌شده گره زده بودند می‌فهمیدند که با رشد و نفوذ اسلام در میان مردم، مقام و منزلت خود میان قوم خود و منافع مادی و دنیوی را - که از این ناحیه نصیبشان می‌شد - از دست می‌دهند؛ «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِقَا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (بقره: ۸۷).

سومین عنصر ماهیت دشمنی به عناد و لجاجت یهودیان برمی‌گشت: «وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا نَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ» (فصلت: ۵). عناد یهودیان از روی علم و آگاهی بود. آن‌ها خود را از دوستان خاص خدا و پرچمدار توحید و نخستین صاحبان کتاب و رسالت در جهان می‌انگاشتند و نمی‌توانستند پیامبری از غیر خود را بپذیرند.

۱-۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی بوده و داده‌ها با بهره‌گیری از روش اسنادی (مطالعات کتابخانه‌ای) و تحلیل مضمون، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل شده‌اند. روش اسنادی به مثابه ابزاری مکمل در فرایند تحلیل کیفی به کار گرفته شده و زمینه بررسی پیشینه و مبانی نظری پژوهش

را فراهم ساخته است. همچنین، روش تحلیل مضمون، که یکی از پرکاربردترین روش های تحقیق کیفی محسوب می شود، به منظور شناسایی، استخراج، سازمان دهی و تفسیر مضامین نهفته در داده ها مورد استفاده قرار گرفته است.

فرایند تحلیل مضمون در این پژوهش شامل شش مرحله اصلی بوده است: (۱) آشنایی با داده ها، (۲) کدگذاری اولیه، (۳) جست و جوی مضامین، (۴) بازبینی مضامین، (۵) تعریف و نام گذاری مضامین، (۶) تدوین گزارش نهایی. در مرحله نخست، موضوع مورد بررسی در قرآن کریم با بهره گیری از تفاسیر معتبر مورد مطالعه قرار گرفت؛ سپس، در مرحله کدگذاری اولیه، آیاتی که به شیوه های مواجهه با دشمنان اشاره داشتند، استخراج شدند. در ادامه، مضامین پایه از متن آیات استنباط گردید و پس از بازبینی، مضامین سازمان دهنده به منظور طبقه بندی مضامین پایه شکل گرفتند. در مرحله نهایی، با دسته بندی مضامین سازمان دهنده، مضامین فراگیر استخراج شدند.

شایان ذکر است که در این پژوهش، به جای اصطلاحات «مضامین پایه»، «مضامین سازمان دهنده» و «مضامین فراگیر»، از مفاهیم «شاخص ها»، «مؤلفه ها» و «ابعاد» استفاده شده است تا ساختار مفهومی پژوهش با ادبیات علمی حوزه مطالعات قرآنی و علوم انسانی همخوانی بیشتری داشته باشد. در این نوشتار با توجه به محدودیت حجم واژگان و صفحه، از انعکاس جداول کدهای اولیه - که مضامین پایه از آن ها استنباط شده اند - پرهیز شده است.

۱-۵. یافته های پژوهش

بررسی آیات قرآن نشان می دهد که دشمنان اسلام (کفار و مشرکان، منافقان و یهودیان) در مکه و مدینه از روش های متنوعی برای مقابله با مؤمنان استفاده می کردند که به سه دسته نرم، سخت و ترکیبی تقسیم می شوند.

در روش نرم تأکید بر تغییر باورها از طریق نفوذ فرهنگی، عملیات روانی یا استفاده از ابزارهای تحریک احساسات و تضعیف عقاید بوده است؛ برای نمونه، مصادیق آن در قرآن، تزئین گناه (نحل: ۶۳) و شایعه پراکنی (احزاب: ۶۰) است.

در روش سخت تأکید بر مقابله مستقیم نظامی و استفاده از زور و قوای مسلح است که

از مصادیق آن جنگ احزاب (احزاب: ۱۰) و قتل انبیا (بقره: ۶۱) می‌باشد. اگر ابزار اقتصادی مستقیماً بر رفتار از طریق اجبار و زور تأثیر بگذارد، در زمره روش سخت محسوب می‌شود و در صورتی که برای تغییر ذهنیت، تضعیف اراده، یا ایجاد فشار روانی و فرهنگی استفاده شود، نرم به‌شمار می‌آید.

روش ترکیبی، ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم برای دستیابی به اهداف است. ترکیب تهدید نظامی با تحریم اقتصادی و جنگ روانی برای وادار کردن طرف مقابل به تسلیم یا استفاده هم‌زمان از زور و فریب بوده است. مصادیق آن در قرآن، همکاری منافقان با دشمن خارجی و هم‌زمان ایجاد تفرقه داخلی (توبه: ۷۳)، یا توطئه‌های پنهانی هم‌زمان با مقابله نظامی با مسلمانان توسط یهود بنی‌قینقاع (حشر: ۱۴).

در قرآن کریم هم به نحوه دشمنی آن‌ها اشاره شده و هم روش‌های گوناگونی را برای پیامبر ﷺ برای مواجهه با آن‌ها ارائه می‌دهد.

۲. نحوه دشمنی دشمنان با اسلام و مسلمانان

۲-۱. کفار و مشرکان

کفار و مشرکان با توجه به ماهیت دشمنی با دین مبین اسلام و حکومت اسلامی در مدینه، روش‌های گوناگونی را برای ساقط کردن نظام سیاسی نوپای پیامبر ﷺ و مهار و نابودی اسلام به‌کار گرفتند. آیات متعدد قرآن کریم به این روش‌ها اشاره کرده است. روش‌های دشمنی در دوره بعثت و پس از تشکیل حکومت تفاوت داشت. زمانی که پیامبر ﷺ در مکه بودند روش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌کار برده می‌شد و در دورانی که در مدینه حکومت تشکیل شده بود، علاوه بر این دو روش از روش ترکیبی نیز استفاده می‌کردند.

نحوه مقابله کفار و مشرکان با اسلام در مکه (دوران بعثت)		
ابعاد	مؤلفه‌ها (نوع مقابله)	شاخص‌ها (نحوه مقابله)
کفار و مشرکین	نرم‌افزاری	تهمت زدن (دخان: ۱۳ و ۱۴؛ انعام: ۳۳؛ نحل: ۱۰۱؛ اعراف: ۱۸۴)؛ لجاجت (حجر: ۱۴؛ روم: ۵۱)؛ افسانه خواندن قرآن (انعام: ۲۵؛ مطففین: ۱۴)؛ بازداشتن دیگران از شنیدن سخنان

		پیامبر ﷺ (انعام: ۲۶ و ۲۵)؛ بدعت در دین (اسراء: ۷۳، ۷۴، ۷۶)؛ تحقیر (حجر: ۱۱؛ انبیا: ۳۶)؛ انکار پیامبر ﷺ (مؤمنون: ۷۱ و ۶۹)؛ ساحر و دروغگو خواندن پیامبر (ص: ۴)؛ شبهه پراکنی (فرقان: ۴؛ نحل: ۲۴)؛ خیالاتی، خواب پریشان و شاعر خواندن پیامبر ﷺ (انبیا: ۵)؛ مجنون خواندن پیامبر ﷺ (حجر: ۶)؛ مجادله با پیامبر ﷺ (انعام: ۱۲۱)
سخت افزاری		محاصره پیامبر ﷺ (معارج: ۳۶ و ۳۷)؛ جلوگیری از نماز پیامبر ﷺ (علق: ۱۰ و ۹)؛ تهدید و تطمیع پیامبر ﷺ (قلم: ۹؛ فصلت: ۶)؛ موضعگیری جاهلانه در برابر قرآن (فرقان: ۳۲؛ یونس: ۱۵)؛ آزردن کردن پیامبر ﷺ (حجر: ۹۷؛ طه: ۱۳۰؛ روم: ۵۸ و ۶۰؛ ص: ۱۷؛ ق: ۳۹؛ مزمل: ۱۰)؛ اخراج پیامبر ﷺ از مکه (اسراء: ۷۶)؛ ترور پیامبر ﷺ (بقره: ۲۰۷)؛ شکنجه و آزار یاران پیامبر ﷺ (المیزان، ذیل آیه ۲۷ سورة فارقان)؛ موضعگیری جاهلانه در برابر قرآن (فرقان: ۳۲؛ یونس: ۱۵)؛ نهی مردم از استماع قرآن (فصلت: ۲۶؛ هود: ۵).
ترکیبی		آزار و اذیت و شکنجه و تبعید (بقره: ۲۱۷)؛ بازداشتن از مناسک حج (انفال: ۳۴)؛ مصادره اموال و حصر اقتصادی (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۷۳؛ میرشریفی، پیام آور رحمت، ۱۳۹۰: ۸۰)؛ راه اندازی جنگ علیه مسلمانان (آل عمران: ۱۲۱ و ۱۷۱)

نحوه مقابله کفار و مشرکان با اسلام در مدینه (دوران تشکیل حکومت)		
ابعاد	مؤلفه ها (نوع مقابله)	شاخص ها (نحوه مقابله)
کفار و مشرکین	نرم افزاری	جوسازی و تبلیغات سوء (رعد: ۲۷ و ۲۸)؛ پیمان شکنی مکرر (انفال: ۵۶)؛ ایجاد اختلاف و تفرقه (آل عمران: ۱۰۳؛ انفال: ۴۶)؛ مجادله با پیامبر ﷺ (حج: ۷۶)؛ تحقیر و استهزاء (نساء: ۱۴۰)؛ تخریب شخصیت (آل عمران: ۱۸۶)
	سخت افزاری	حضور در جلسات پیامبر ﷺ با اهداف توطئه آمیز (محمد: ۱۶)؛ تلاش برای محبوس ساختن پیامبر ﷺ و کشتن ایشان (انفال: ۱۶)

	(۳۰)؛ موضعگیری خصمانه مقابل پیامبر ﷺ (انفال: ۳۲)؛ ممانعت از اجرای مناسک حج (فتح: ۲۵)؛ اخراج پیامبر از مکه (توبه: ۱۳)؛ راه اندازی جنگ نظامی (آل عمران: ۱۲۳)؛ ترور پیامبر (توبه: ۴۸)؛ آزار پیامبر ﷺ (احزاب: ۵۷ و ۶۰)
ترکیبی	کمک نظامی و دیپلماتیک کفار و مشرکان به یهودیان بنی قریظه در جنگ خندق (السيرة النبویه، ج ۲: ۲۱۴)

۲-۲. یهود

در مکه، یهودیان به طور مستقیم در دشمنی با پیامبر اسلام ﷺ نقش نداشتند. با این حال، پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، برخی از قبایل یهودی (بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه) در مدینه و اطراف آن با پیامبر خدا ﷺ و مسلمانان درگیر شدند.

آن‌ها ترکیبی از دشمنی‌ها را علیه مسلمانان به کار برده و در زمینه دشمنی با نهضت اسلام و رهبر آن گوی سبقت را از دیگران ربودند؛ به گونه‌ای که قرآن در فهرست دشمنان اسلام، نام آنان را پیش از همه - حتی مشرکان - بیان کرده است (مائده: ۸۲).

یهودیان با وجود آنکه پیمان‌های متعددی با پیامبر ﷺ منعقد ساختند هیچ‌گاه به معاهدات خویش پایبند نبودند و از آزار و اذیت پیامبر و مسلمانان فروگذاری نکردند. آنان برای ضربه زدن به اسلام و مسلمانان نیز نیرنگ‌های بسیاری به کار می‌بردند. خارج از مدینه، مشرکان را تحریک و تقویت کرده و در داخل مدینه نیز همگام با منافقان علیه حکومت اسلامی توطئه می‌نمودند. در واقع، یهودیان گروهی فتنه‌گر در جامعه اسلامی بودند که هم به شکل جنگ نرم و هم به شکل جنگ سخت در پی نابودی اسلام برآمدند.

نحوه مقابله یهود با اسلام در مدینه (دوران تشکیل حکومت)		
ابعاد	مؤلفه‌ها (نوع مقابله)	شاخص‌ها (نحوه مقابله)
یهود	نرم‌افزاری	استهزای اصل دین (آل عمران: ۷۲؛ مائده: ۵۸)؛ ارتداد مسلمین (آل عمران: ۶۹)؛ ایجاد تفرقه (آل عمران: ۱۰۰)؛ ایمان آوردن و کافر شدن روزانه آن‌ها (آل عمران: ۷۲)؛ تخریب شخصیت (آل عمران: ۱۸۶)؛ تحریم افشای نشانه‌های پیامبر ﷺ (بقره: ۷۶ و ۷۷)؛ انکار نبوت (مائده: ۱۹)؛ انکار قیامت (ممتحنه: ۱۳)؛ تکذیب پیامبر ﷺ

	(آل عمران: ۱۸۴)؛ تهمت زدن و افترا بستن به خدا و پیامبر (آل عمران: ۷۸)؛ گمراه کردن مسلمین (نساء: ۴۴؛ آل عمران: ۱۰۰؛ بقره: ۱۰۹؛ آل عمران: ۶۹)؛ تهاجم فکری و مسدود کردن راه خدا و هدایت عمومی (نساء: ۱۶۱)؛ برخورد ابزاری با دین (بقره: ۷۹)؛ به کارگیری روش منافقانه و فریبکارانه (مائده: ۶۱؛ نساء: ۴۴ و ۴۵)؛ فتنه‌گری (آل عمران: ۷۶ و ۷۱)؛ پیمان‌شکنی (بقره: ۱۰۰؛ آل عمران: ۱۸۷)؛ خدشه در دین و ایمان آن حضرت و بی اعتبار ساختن حکم ایشان (مائده: ۴۹)؛ به سخره گرفتن دین اسلام، (مائده: ۴۷ و ۴۸)؛ ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مشرکان (نساء: ۵۱)؛ ایجاد بحران اقتصادی (آل عمران: ۱۸۱)؛ ظلم اقتصادی و تجاوز به حقوق مالی مردم (توبه: ۳۴)
سخت‌افزاری	تلاش برای صدّ عن سبیل الله (آل عمران: ۹۹؛ نساء: ۱۶۰؛ توبه: ۳۴)؛ آزار دادن پیامبر ﷺ (احزاب: ۶۹)؛ جنگ افروزی علیه مسلمانان (مائده: ۶۴)؛ طعنه و تمسخر مسلمانان (مائده: ۵۷؛ آل عمران: ۱۸۶؛ نساء: ۴۶)؛ تلاش برای به سلطه درآوردن مسلمانان (بقره: ۱۲۰)؛ ظلم و تعدّی (توبه: ۳۴؛ مائده: ۳۳)؛ ایجاد فساد و انحرافات اجتماعی (بقره: ۱۱ و ۱۲)؛ جاسوسی (آل عمران: ۱۱۸؛ مائده: ۸۰)؛ تلاش برای ترور پیامبر (مائده: ۱۱؛ حشر: ۲-۴)؛ جلوگیری از اتحاد و همبستگی (آل عمران: ۱۰۰)؛ نفوذ در سپاه اسلام و یاری رساندن به کفار (مائده: ۸۰) و مشرکان، (تفسیر قمی، ج ۱: ۱۲۶)؛ ایجاد اتحادیه‌های ضداسلامی (جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱: ۴۶۶)؛ دشمنی با مسلمانان (مائده: ۸۲)؛ عصیان و تمرد (بقره: ۹۳)؛ خیانت به مسلمانان (انفال: ۵۸)؛ سعی در به انحراف کشاندن پیامبر ﷺ (مائده: ۴۹)

۳-۲. منافقان

خداوند در آیات زیادی به منافقان و نفاق اشاره کرده است. نفاق و حرکت منافقان، در مدینه متصور بود؛ زیرا در مکه اصلاً جامعه اسلامی محقق نشده بود. در مکه، دشمنان اسلام با همه اسلام مخالف بودند و لزومی به پوشاندن و مخفی کردن مخالفت خود با اسلام نداشته و کاملاً علنی با اسلام مخالفت می‌کردند؛ اما اسلام در مدینه حاکم شد و مسلمانان جامعه

اسلامی تشکیل دادند که پیامبر در رأس آن بود و امر و نهی و قدرت نظامی و سیاسی در قبضهٔ پیامبر ﷺ قرار گرفت. نفاق بهانهٔ رشد پیدا کرد و دشمنان، دست‌های پنهان خود را به کار گرفتند تا جؤ مدینه را برای حضرت نامساعد کنند.

مدینه (دوران تشکیل حکومت)		
ابعاد	مؤلفه‌ها (نوع مقابله)	شاخص‌ها (نحوهٔ مقابله)
منافقان	نرم‌افزاری	به کارگیری نیرنگ و فریب (نساء: ۱۴؛ بقره: ۹)؛ پیمان شکنی (احزاب: ۸۱)؛ اتهام‌پراکنی (توبه: ۶۱)؛ ولایت‌ستیزی (حشر: ۷)؛ تفرقه افکنی (انفال: ۴۹؛ منافقون: ۸)؛ جنگ روانی (احزاب: ۱۳)؛ شایعه‌پراکنی (نساء: ۸۳؛ احزاب: ۶۰)؛ جاسوسی و فتنه‌گری (توبه: ۴۷)؛ رویگردانی از رسول خدا ﷺ (نساء: ۶۱؛ منافقون: ۵)؛ عدم همراهی با رسول خدا ﷺ در جنگ‌ها (توبه: ۴۳؛ فتح: ۱۱)؛ ضربه زدن به اسلام از درون (توبه: ۱۰۷)؛ دوگانگی در روابط (بقره: ۱۴)؛ ایجاد شبهه در بین مسلمانان (احزاب: ۱۲)؛ بهره‌گیری از مقدسات (منافقون: ۲)؛ توطئه علیه پیامبر و تشکیل خانه‌های تیمی (نساء: ۸۱)؛ دوستی با دشمنان اسلام (مجادله: ۱۴؛ نساء: ۱۳۹)؛ آزار و اذیت پیامبر ﷺ (توبه: ۶۱)؛ تحریک مردم برای دوری از پیامبر خدا (احزاب: ۱۳)؛ سرپیچی از دستورهای پیامبر ﷺ (نور: ۶۳)؛ فاش کردن مسائل امنیتی مسلمانان (نساء: ۸۳)
	سخت‌افزاری	فشار و تحریم اقتصادی (منافقون: ۷)؛ تلاش برای ترور پیامبر (توبه: ۴۸؛ توبه: ۷۴)

۳. روش قرآنی مواجهه

برای استخراج روش‌های مقابله‌ای قرآن با دشمنان، تک‌تک آیات و سوره‌های قرآن مورد مذاقه قرار گرفته است. پس از بررسی آن‌ها، آیات مربوط به نحوهٔ مواجهه، استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. بخشی از این آیات ضمن هوشیاری دادن به مسلمانان، آن‌ها را به همزیستی مسالمت‌آمیز با دشمنان و بخشی دیگر به جهاد و مبارزه با آن‌ها توصیه می‌کند. نحوهٔ مواجههٔ آن حضرت با دشمنان در مکه و مدینه متفاوت است؛ چراکه شگردهای

دشمنان اسلام بسته به موقعیت مکانی و زمانی متفاوت بوده است. در دوران بعثت پیامبر اکرم ﷺ و حضور در مکه غالباً مقابله آن‌ها نرم‌افزاری بوده است. خداوند دائماً پیامبر را به صبر و اعراض و عفو و اغماض و مدارا سفارش می‌کند. در مکه اثر چندانی از یهود و منافقان مشاهده نمی‌کنیم؛ زیرا در مکه اصلاً جامعه اسلامی محقق نشده بود؛ اما کفار و مشرکان بسیار فعال بودند تاجایی که قصد جان پیامبر ﷺ را می‌کنند.

پس از هجرت پیامبر از مکه به مدینه شگرد آن‌ها تغییر یافته و درصدد مقابله سخت با آن حضرت بودند. در مدینه هم منافقان و هم یهود و هم کفار فعال شده و با روش‌های گوناگون با رسول گرامی اسلام دشمنی می‌کردند. جنگ‌های بسیاری در مدینه در طول ده سال بعد از هجرت رخ می‌دهد که در این جنگ‌ها حضرت پیامبر ﷺ گاهی شکست خوردند و گاهی به پیروزی‌های بزرگ دست یافتند.

نگارندگان سطر به سطر و آیه به آیه قرآن را بررسی کرده و از روش تحلیل مضمون استفاده نموده و همه این‌ها را که نزدیک به این مفاهیم بودند استخراج و مقوله بندی و کدگذاری کرده‌اند.

جدول کدگذاری روش‌های قرآنی مقابله با دشمنان

ابعاد	مؤلفه ها	شاخص ها	کدهای اولیه		
			انواع دشمنان	مکی یا مدنی	سوره و آیه
نرم	افشاگری	آشکار کردن حقیقت رفتاری دشمن	منافقان	مدنی	نساء: ۸۱
					نساء: ۸۹
					نور: ۱۱
					توبه: ۱۰۷
					توبه: ۸۳
					منافقون: ۱
			کفار		ممتحنه: ۱
					نساء: ۱۰۲
					آل عمران: ۱۱۸

		مشرکان		توبه: ۸	
				توبه: ۲۸	
		یهود		بقره: ۱۲۰	
				آل عمران: ۷۱	
				مائده: ۱۳	
	بازگشت نیرنگ به دشمن	کفار	مکی	انفال: ۱۸ و ۳۰ و ۶۲	
				رعد: ۴۲	
				نحل: ۱۲۷	
				نمل: ۵۱	
				طارق: ۱۵- ۱۷	
طور: ۴۲					
برخورد عادلانه و منصفانه	حفظ حدود الهی و عدم تجاوز	مشرکان	مدنی	بقره: ۱۹۰	
	تشویق همراه با هشدار	کفار		انفال: ۱۹	
	رعایت عدالت و انصاف	کفار		بقره: ۱۹۳	
		یهود		مائده: ۴۲	
				انفال: ۵۸	
جنگ روانی		کفار	مکی	فصلت: ۲۷	
		کفار	مدنی	آل عمران: ۲۱	
		کفار		توبه: ۱۴	
				انفال: ۱۹	
				انفال: ۳۸	
		منافقان		توبه: ۶۴	
		مرعوب سازی	کفار	مدنی	نساء: ۸۸
			یهود		انفال: ۱۲
جهاد کبیر	روی برتابیدن	منافقان	مدنی	احزاب: ۲۶	
				نساء: ۸۱	

	عدم اعتماد و دوستی با دشمن	مشرکان	مدنی	توبه: ۳		
				ممتحنه: ۹		
		کفار		ممتحنه: ۱		
				آل عمران: ۱۱۸		
				آل عمران: ۲۸		
				نساء: ۸۹		
		کفار و منافقان		مائده: ۵۷		
		کفار و یهود				
		عدم اطاعت و وابستگی به دشمن و پرهیز از سازش با آنان		کفار	مدنی	محمد: ۳۵
						توبه: ۸۴
	توبه: ۲۸					
	مائده: ۴۲					
	یهود		بقره: ۱۲۰			
			کفار	مکی	انبیا: ۱۰۹	
					فرقان: ۵۲	
					قلم: ۸	
	قلم: ۱۰					
	هود: ۱۱۳					
	قصص: ۸۶					
	جهاد علمی و فرهنگی	کفار	فرقان: ۵۲			
رفتار مسالمت آمیز با دشمنان		کفار	مدنی		نساء: ۹۰	
	محمد: ۴					
	توبه: ۲۹					
	مائده: ۱۳					
تعامل و امهال	کفار و منافقان	مشرکان	انفال: ۶۱			
			بقره: ۱۹۲			

					توبه: ۵	
					توبه: ۶	
					ممتحنه: ۸	
					توبه: ۱۱	
			یهود	مکی	عنکبوت: ۴۶	
			کفار		طارق: ۱۷	
سخت	مقابله به مثل	مقابله با خیانت و بدعهدی دشمن	کفار	مکی	طارق: ۱۶	
			یهود		مدنی	انفال: ۵۸
			مشرکان			توبه: ۷
						توبه: ۱
		کفار	توبه: ۱۲			
			توبه: ۱۳			
		ضربه متقابل	کفار	مکی	زخرف: ۷۹	
			مشرکان		مدنی	توبه: ۳۶
	کسب قدرت هوشمند	جانبه افزایش همه قدرت	کفار و منافقان	مدنی	انفال: ۶۰	
		صبر و وحدت	کفار		انفال: ۴۶	
	سخت	بازدارندگی و برخورد سخت	جهاد و مبارزه قهرآمیز	کفار	مدنی	محمد: ۴
						آل عمران: ۱۲۷
بقره: ۱۹۳						
توبه: ۱۳						
				توبه: ۱۴		
				توبه: ۱۲۳		
				توبه: ۲۹		
				انفال: ۵۷		
یهود				توبه: ۲۹		
				توبه: ۲۸		
				بقره: ۱۹۱		
				بقره: ۱۹۱		
			مشرکان			

			مسلمانان ظالم	کفار و منافقان	مکی	بقره: ۱۹۰
						توبه: ۵
						حجرات: ۹
						تحریم: ۹
						توبه: ۷۳
						فرقان: ۵۲
کمین و ضربه زدن ناگهانی	غافلگیری	کفار	مشرکان	مکی	عادیات: ۳	
					عادیات: ۵	
					توبه: ۵	

۴. تفسیر یافته ها

در ۲۴ سوره قرآن سخن از نحوه مواجهه با دشمنان آمده است. از این تعداد، ۱۱ سوره مکی و ۱۳ سوره مدنی است. در سوره های مکی ۱۸ مورد و در سوره های مدنی ۹۷ مورد سخن از نحوه مواجهه با دشمن آمده است و این مسئله نشان دهنده آن است که دشمنان بیشتر در مدینه فعال بودند. دشمنان مکه به اندازه دشمنان مدینه تحرکاتی علیه اسلام نداشتند؛ چراکه در مکه، حکومت اسلامی شکل نگرفته بود و تشکیل حکومت توسط رسول گرامی اسلام ﷺ، دشمنان را به اسلام و حاکمیت اسلام حساس کرد و به همین دلیل بنای دشمنی گذاشته و کوشیدند با روش های گوناگون نور اسلام را خاموش کنند.

از موارد اشاره شده در برخورد قرآن با دشمنان ۳۰ مورد برخورد سخت و ۶۱ مورد برخورد نرم می باشد و این امر نشان دهنده آن است که اسلام دین خشونت نیست و برخورد سخت را زمانی در دستور کار قرار می دهد که برخورد نرم جواب نداده باشد.

۴-۱. برخورد نرم افزارانه قرآن با دشمنان

نحوه مواجهه قرآن با کفار، چه در مکه و چه در مدینه، به صورت برخورد نرم بوده است. ۹ برخورد نرم در مقابل ۴ برخورد سخت در مکه و ۲۱ مورد برخورد نرم در برابر ۱۷ برخورد سخت در مدینه بوده است. باوجود اینکه بیشترین نوع برخورد قرآن در بین دشمنانش با کفار بوده، ولی برخورد قرآن با کفار غالباً نرم افزارانه بوده است. در مدینه برخورد قرآن با مشرکان،

به صورت هم‌زمان سخت و نرم بوده است (۱۸ برخورد نرم در برابر ۸ برخورد سخت). در مورد منافقان نیز فقط دو مورد برخورد نرم در مکه در آیه ۱۰ سوره مبارکه قلم آمده است که در آنجا می‌خواهد حقارت رأی و کوتاهی فکر آنان را بیان کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۲۲۱) یا شُرور بودن آن‌ها را به اثبات برساند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۹: ۲۷) و برخورد سخت با منافقان در مکه دیده نمی‌شود.

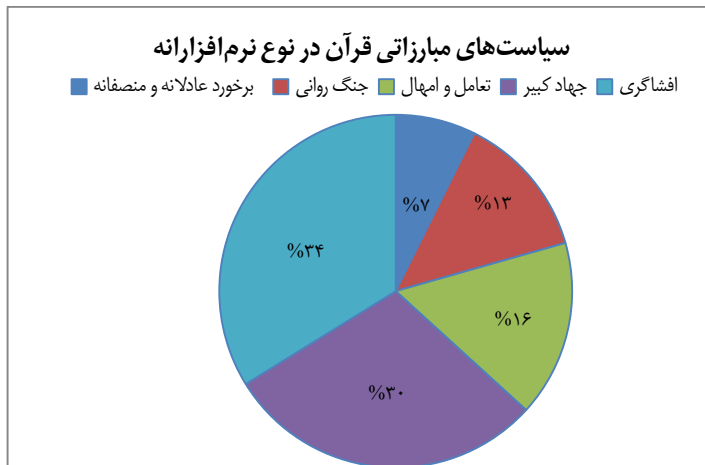
در مدینه برخورد نرم قرآن با منافقان بیشتر از برخورد سخت می‌باشد (۱۰ مورد برخورد نرم در برابر ۳ مورد برخورد سخت). بیشتر آیات (برای نمونه، توبه: ۸۳؛ نور: ۱۱) افشاگری حقیقت رفتاری منافقان است و این امر نیز نشان‌دهنده آن است که قرآن در وهله نخست برخورد سخت را نمی‌پسندد.

نحوه مواجهه با یهودیان نیز در مکه و مدینه نسبت به دیگر دشمنان متفاوت است. در مکه فقط در یک جا (عنکبوت: ۴۶) برخورد نرم افزارانه هست و آن هم حق آزادی برای یهود در اجرای احکام دینی و تعامل با یهود است؛ اما در مدینه در مقابل بقیه دشمنان بیشترین برخورد نرم تجویز می‌شود (۱۵ برخورد نرم در برابر ۴ برخورد سخت). نوع نرم سیاست‌های مبارزاتی قرآن از افشاگری و جنگ روانی گرفته تا برخورد منصفانه و جهاد کبیر و حتی تعامل و امهال بوده است.

رسول گرامی اسلام ﷺ برای پیاده‌سازی این سیاست‌ها، به یک سری اصول پایبند بودند

که عبارت بود از:

۱. افشاگری؛
۲. برخورد عادلانه و منصفانه؛
۳. جنگ روانی؛
۴. تعامل و امهال؛
۵. جهاد کبیر.



۲-۴. برخورد سخت‌افزارانه قرآن با دشمنان

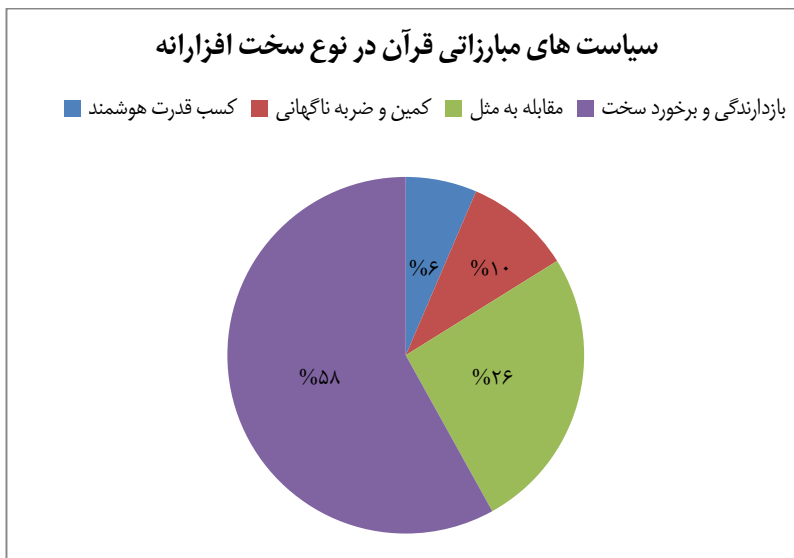
بیشترین نوع برخورد قرآن در بین دشمنانش با کفار بوده و اگر مشرکان را با کفار در یک ترازو قرار دهیم بیشترین آیات مواجهه قرآن در بین دشمنانش، با کفار و مشرکان بوده است. در مکه ۴ برخورد و در مدینه ۱۷ برخورد سخت قرآن با کفار و مشرکان را شاهد هستیم. در آیه ۱۲۳ سوره توبه برخورد با صلابت و خشونت با همه کفار را دستور می‌دهد (فضل بن حسن بصری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۲۴۲)، یا حضور مشرکان در مسجدالحرام را ممنوع اعلام می‌نماید. برخورد سخت قرآن با منافقان نیز فقط در سه آیه آمده است. در آیه ۸۹ سوره نساء علاوه بر عدم دوستی با آن‌ها، به مسلمانان دستور می‌دهد تا در هر جا که آن‌ها را بیابند بکشند. در آیه ۷۳ سوره توبه و ۹ سوره تحریم سفارش به سخت‌گیری بر منافقان می‌دهد.

نحوه مواجهه با یهودیان نیز در مکه و مدینه متفاوت است. هرچند قرآن یهودیان را شدیدترین دشمن نسبت به اسلام معرفی می‌کند (مانده: ۸۲)، در مکه اثری از برخورد سخت با یهودیان را شاهد نیستیم. در مدینه نیز فقط در آیات ۵۷ انفال (پراکنده‌سازی و تهدید)، ۲۹ توبه (تحمیل شرایط با جنگیدن) و ۲۶ احزاب (تحمیل شرایط) برخورد سخت را تجویز کرده است.

سیاست‌های مبارزاتی قرآن در نوع سخت با دشمنان، از مقابله به مثل و تلاش برای افزایش قدرت گرفته تا بازدارندگی و برخورد سخت و حتی کمین کردن برای ضربه ناگهانی

به دشمن بوده است. رسول گرامی اسلام ﷺ برای پیاده‌سازی این سیاست‌ها، به این اصول پایبند بودند:

۱. مقابله به مثل؛
۲. کسب قدرت هوشمند؛
۳. بازدارندگی و برخورد سخت؛
۴. کمین و ضربه ناگهانی.



۳-۴. برخورد ترکیبی قرآن با دشمنان

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در ۱۱ آیه از ۶ سورة قرآن کریم به ۲۹ مورد برخورد ترکیبی و آن هم فقط در مدینه و اکثریت در مقابل کفار و مشرکان اشاره شده است. نکته قابل تأمل اینکه تقریباً به تعداد مساوی برخورد سخت و نرم را به صورت هم‌زمان و ترکیبی شاهد هستیم: ۱۴ برخورد سخت در کنار ۱۵ برخورد نرم. در اینجا نیز برخورد نرم قرآن در اولویت است. این مسئله نشان‌دهنده آن است که برخورد سخت در اولویت اسلام نیست، بلکه:

- در جایی هم‌زمان با ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان، تحمیل شرایط و تجهیز در تمامی ابعاد (احزاب: ۲۶؛ انفال: ۶۰) و در جای دیگر هم‌زمان با عملیات روانی و سختگیری بر دشمن، رفتار مقتدرانه را تجویز می‌کند (انفال: ۱۲)؛

- آیه ۵۷ سورة انفال، در کنار تهدید، مجازات دشمن را گوشزد کرده و ضمن تأکید بر عملیات نظامی، پراکنده سازی دشمنان را از اطراف مسلمانان توصیه می نماید؛
- گاهی عملیات نظامی و مبارزه قهرآمیز با دشمنان هم زمان با رعایت عدالت و عدم تعدی به آن ها تأکید می شود (بقره: ۱۹۰ و ۱۹۳)؛
- در آیه ای ضمن تحقیر دشمن، تأکید به عملیات نظامی می شود (توبه: ۱۴)؛
- در جای دیگر تعامل با دشمنان و دریافت جزیه در اولویت قرار می گیرد (توبه: ۲۹ و ۵)؛
- و در آیاتی از قرآن هم زمان با افشاکردن حقیقت رفتاری دشمن، بر عدم اعتماد و ممنوعیت دوستی با آن ها تأکید می شود (نساء: ۸۹).
- در مجموع، قرآن کریم بیشترین برخورد ترکیبی (۲۰ مورد) را با کفار و مشرکان داشته است (منافقان فقط یک مورد و یهودیان ۸ مورد).

نتیجه گیری

بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد دشمنان به دو نوع کلی دسته بندی شده اند: دشمنان درونی (پنهان) و دشمنان بیرونی. دشمنان درونی دشمنانی هستند که دیده نشده و می کوشند تا انسان را از رسیدن به کمالات انسانی بازدارند، مانند شیطان (إسراء: ۵۳) و نفس اماره (یوسف: ۵۳).

دشمنان بیرونی دشمنانی هستند که گاهی چهره ای آشکار دارند و عداوت و ماهیت خود را اظهار می کنند، مانند کفار و مشرکان؛ و برخی مانند منافقان دشمنی خود را پنهان می کنند که بدترین دشمنان هستند؛ برخی دیگر مانند همسران و فرزندان جزو دشمنان بالقوه محسوب می شوند.

براساس آیات متعدد قرآن، کفار، مشرکان و یهودیان ذاتاً با اسلام و مسلمانان دشمنی می کنند؛ اما منافقان به اقتضای شرایط دشمنی می کنند و دشمنی خود را پنهان کرده و حتی در مواقعی ضمن دشمنی با برخی مواضع مسلمانان، آنان را برای پیشبرد اهداف پلید خود همراهی می کنند که این دشمنان بسیار خطرناک تر از دیگر دشمنان هستند.

دستورهای قرآن کریم برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ در برخورد با دشمنان به دو صورت برخورد نرم و برخورد سخت بوده است. بررسی تمام آیات در قرآن کریم نشان‌دهنده این مسئله است که قرآن ترجیحاً با روش‌های نرم و غیرسخت در تلاش است با مخالفان و دشمنان برخورد کند. ابتدا مسلمانان را دعوت به مدارا و نرم‌خویی، تبیین و روشننگری، خویش‌نشانداری و تربیت کادر برای اسلام و سپس تقابل فکری و تبلیغ کرده و در نهایت هجرت را تجویز می‌کند و از درگیری و جنگ با دشمنان پرهیز می‌دارد؛ اما زمانی که برخورد نرم کفایت نمی‌کند روش تغییر می‌کند و علاوه بر روش‌های نرم، جهاد و مبارزه سخت و جهاد ترکیبی با دشمنان هم در دستور کار قرار می‌گیرد. قرآن کریم در مقابله با هرکدام از دشمنان، شیوه و روش مخصوص به آن دشمن را به ما می‌آموزد و در مقابل هر روش دشمن، راه مقابله‌ای قرار می‌دهد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن ابی فراس بن حمدان مالکی نخعی جلی، وّزام (۱۳۶۹). تنبیه الخواطر و نزهة التواظر، ترجمه محمدرضا عطایی با عنوان مجموعه وّزام، قم، مکتبه الفقیهیه.
- ابن محمد تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق). غررالحکم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسین (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الإعلام الاسلامی.
- آرمسترانگ، کارن (۱۳۹۵). محمد پیامبری برای زمانه ما، ترجمه علیرضا رضایت، تهران، حکمت.
- آلوسی، محمودبن عبدالله (۱۴۱۵ ق). تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، قم، دارالکتب العلمیه.
- آیتی بیرجندی، محمدابراهیم (۱۳۶۹). تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران.
- بیانات رهبر انقلاب در جمع سپاهیان لشکر سیدالشهدا علیه السلام، ۱۳۷۷/۰۷/۲۶.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). تفسیر سوره براءت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق). تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی جامعه مهندسين حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه هاشم رسولی، تهران، فراهانی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۵). المعجم المفهرس، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). خاتمیت، تهران، صدرا.
- علی بن ابراهیم قمی (۱۴۰۴ ق). تفسیر قمی، قم، دارالکتاب.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.